

جامعه؛ روی خط حفاظت از محیط زیست

نگاهی به افزایش میزان مشارکت‌های مردمی در حفاظت از محیط زیست در سال‌های اخیر

یادداشت



جبار رحمانی

عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی

الگوی محیط زیست شهری، تقابلی است!

چرا فعالیت مدنی در حوزه محیط زیست نباید شامل همه افرادی باشد که در این سرزمین زندگی می کنند. به نظر من مساله فراتر از عموم است. باعث تاسف است که باید گفت جامعه ما به صورت فراگیر دچار تنش می شود. ما آدم‌هایی داریم که پای کارهای مردمی هستند. سازمان‌های مردم‌نهاد کسانی را تربیت کرده و آدم‌های دغدغه‌مندی دارند که در چنین مواقعی فعال می شوند. البته باید در نظر بگیریم در گذشته این طور نبود که لزوماً آدم‌هایی که به محیط زیست می اندیشند و دغدغه آن را دارند، فعال و علاقمند به محیط زیست بودند. یک نظامی در محیط زیست چیده شده بود که حفاظت از آن شرط بقا بود. نوعی سازگاری میان طبیعت و اقلیم با سبک زندگی وجود داشت. آن نظام به طور طبیعی تاکید داشت که پایداری محیط زیست شرط زنده ماندن است. بنابر این وقتی به این موضوع نگاه می کنیم می بینیم در نظام‌های اجتماعی و سیاسی گذشته در ایران هر کاری که برخلاف تحمل طبیعت برای مثال در حوزه آب انجام می شد خطر ناک بود و می توانست دخالت در نظام طبیعت باشد به نحوی که شکل زندگی و ماهیت زیست را دچار خدشه کند. به همین دلیل است که از گذشته دور تا کنون در نهایت یکی از وظایف اصلی نظام سیاسی، حفظ امنیت آب بوده است. اگر جامعه‌ای مانند جامعه امروز بشری می خواست منابع طبیعی اش را غارت کند دیگر نمی توانست بقا داشته باشد. محیط زیست گرایی در گذشته شکل فانتزی و غیرواقعی نداشت؛ یک جبر طبیعی بود که به نگه داشت محیط زیست به بقای او کمک می کرد. نظام پایداری طبیعت به نوعی بازنگری بشر در گذشته عجین شده بود. امروز مطابق مشاهدات، بخشی از جامعه نسبت به طبیعت بکر ایران حساس شده که دغدغه‌های جدی در حفظ گونه‌های حیاتی و جانوری دارند. اما شما وقتی وارد شهر می شوید متوجه می شوید که اساسا بحران‌های محیط زیستی در ایران نه در مناطق حفاظت شده، جنگل‌ها و مراتع بلکه مشکل در محیط زیست انسانی ما است. ما شهرهایمان از نظر عناصر مهم طبیعی مثل آب، باد، خاک و حتی گونه‌های بومی جانوری کاملاً تهی است و شهرهای ما از این منظر تخریب شده هستند. در تهران شما گونه جانوری بومی نمی توانید ببینید؛ چون روندها به سمتی پیش رفته که گونه‌های گیاهی و جانوری از بین رفته است. برخی افراد که در شهری با این وضعیت تخریب زیست کرده و با این فرهنگ و رفتار بزرگ شده اند وقتی وارد طبیعت بکر و دست نخورده می شوند، قطعاً آنجا دست به تخریب بیشتر می زنند؛ چون فهمی از پایداری منابع ندارند. این رفتار نیازمند تحلیل کارشناسی در حوزه جامعه‌شناسی است. این افراد اکنون به دلایلی که به فرهنگ و آموزش مربوط است، مخل محیط زیست شده و طبیعت را به شدت تخریب می کند.



پگاه قائمیان

روزنامه نگار

گزارش

در روزگار کنونی، انسان‌ها اهمیت محیط زیست را در حفظ حیات خود بیش از گذشته دریافته اند؛ زیرا اصل حیات و بقای بشر به حفظ منابع طبیعی و محیط زیست گره خورده و هرگاه خللی در نظم و سلامت زمین و آب و هوا به وجود آید، در حقیقت حیات بشر بر روی خاک و زمین به خطر می افتد. اما واقعیت این است که خود انسان‌ها در تمام قرون گذشته و بعد از اینکه تمدن‌های انسانی را شکل دادند و به سمت زندگی شهرنشینی و تجدد پیش رفتند، از شیر و وجود محیط زیست و زمین تغذیه کردند و برای چیرگی و قدرت بر کره خاکی از هیچ تخریب و ویرانی‌ای در منابع طبیعی و محیط زیست، فروگذار نبودند اما بشر در جهان امروز با تمام پیشرفت‌های شگرفی که در زمینه تمدن انسانی تاکنون داشته، متوجه شده که تخریب محیط زیست چه زبان‌های غیرقابل جبرانی را روی دست خودش گذاشته است تا جایی که بسیاری

از حامیان محیط زیست در جهان، مدام هشدار نابودی زمین و نسل بشر را به دلیل اختلال در محیط زیست و فرایند گرمایشی زمین می دهند.

در ایران نیز امروزه بیش از گذشته توجه مردم و رسانه‌ها به موضوع محیط زیست جلب شده به طوری که در سالیان اخیر، مساله محیط زیست در کنار مسائل و معضلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به شکل آشکاری در صدر توجه افکار عمومی قرار گرفته است.

ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد برای حفاظت از محیط زیست ایران، شاید عمر طولانی‌ای نداشته باشد اما در سال‌های اخیر شاهد اقدامات موثری از سوی این تشکل‌ها برای حفاظت از محیط زیست در نقاط مختلف ایران بوده ایم. به طور مثال می توان به اقدامات اخیر حافظان محیط زیست و مردم در جلوگیری از فعالیت‌های تخریبی معدنکاوان در مناطق مختلف اشاره کرد؛ از جمله مقاومت مردم

در برابر عملیات اکتشاف سنگ‌های مرمر در کوه‌های بیرمی در بوشهر یا معدن بهرام گور در شیراز. همچنین ایجاد کمپین‌های مردمی برای جلوگیری از وقف بخش‌هایی از جنگل‌های آق مشهد و کوه دماوند نیز از نمونه‌های اخیر گسترده‌تر شدن فعالیت‌های مردمی در حوزه

محیط زیست است. عباس محمدی، فعال محیط زیست در عباس بیشتر شدن میزان مشارکت‌های مردمی در زمینه محیط زیست می گوید: «نرخ مشارکت مردمی برای حفاظت از محیط زیست، نسبت به یک یا دو دهه قبل خیلی بیشتر شده است. در تمام شهرها و حتی روستاهای ایران این روزها شاهد وجود تشکل‌های مردم‌نهاد محیط زیستی، به صورت رسمی و ثبت شده یا غیررسمی هستیم. مثلاً در بسیاری از نقاط ما شاهد ایجاد تشکل‌های مردمی برای حفاظت از جنگل‌ها و آتشفشانی در جنگل‌ها یا تشکل‌های مردمی برای کاشت نهال

و احیای منابع طبیعی هستیم. توجه رسانه‌ای به موضوع محیط زیست دلیل اصلی جلب شدن توجه‌های مردمی به مساله محیط زیست است. مثلاً در گذشته حدود ۳۰ سال قبل افرادی مثل من که در حوزه محیط زیست فعال بودند، اگر مطلب یا مقاله‌ای در ارتباط با شرایط زیست محیطی داشتیم و قصد انتشار آن را در جراید و روزنامه‌ها داشتیم، معمولاً نشریات موضوعات مربوط به محیط زیست را جلدی نمی گرفتند و به مطالب ما توجهی نمی کردند و بیشتر به مسائل روز سیاسی و اقتصادی می پرداختند. اما امروز در بیشتر نشریات با هر رویکردی که دارند، ما مطالب بسیار زیادی را در زمینه محیط زیست در کنار سایر مسائل

روز مشاهده می کنیم. علت این امر همین بیشتر شدن مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با حوزه‌های محیط زیستی است. مسلمانان در سطح جامعه تحرکات مردمی برای حفاظت از

محیط زیست نباشد، در سطح رسانه‌ها و فضای مجازی نیز شمانمی توانید شاهد اخبار و مطالب محیط زیستی باشید. بنابر این حساسیت‌های مردمی به موضوعات محیط زیستی نسبت به گذشته به شکل معناداری بیشتر شده است».

محمدی در ادامه افزود گفت: «هر چقدر که احساس مسئولیت مردم نسبت به محیط زیست بالا رفته، در مقابل در برخی از افراد ذی ربط هم بی اعتنائی نسبت به مساله محیط زیست ایجاد شده است. اتکا به شعارهای اشتغالزایی و توسعه اقتصادی، گاهی به تخریب منابع طبیعی منجر شده است. مثلاً با سدسازی‌ها و راهسازی‌های بی ضابطه یا معدنکاوی‌های غیراصولی، شاهد تخریب‌های زیادی در محیط زیست بوده ایم. به طور مثال مردمی که در پای کوه کرکس در منطقه نظنز زندگی می کنند، به شکل روزانه شاهد تخریب منطقه طبیعی خود هستند. کامیون‌های عظیمی که روزانه صدها تن سنگ کوه را با خود می برند و بسیاری از باغ‌های سرسبز این منطقه که تا حدود ۱۰ یا ۱۵ سال قبل چشم‌انداز فوق العاده زیبایی را داشتند، اکنون زیر خاک فرو رفته و آن چشم‌انداز زیبا و سرسبز تبدیل به چشم‌انداز زخم خورده و ناخوشایندی شده که نه فقط موجب افسردگی مردم این ناحیه شده بلکه مشکلات تنفسی زیادی هم برای مردم این منطقه ایجاد کرده است. بنابر این دلیل اصلی حساسیت عمومی مردم هم همین موضوع می تواند باشد. زمانی که مردم نواحی مختلف به چشم خود شاهد از میان رفتن منابع طبیعی زیستگاه خود هستند، قطعاً در برابر تخریب‌های بیشتر می ایستند. اگر این فعالیت‌های مردمی برای حفاظت از محیط زیست نبود، شاید وضعیت محیط زیست کشور، امروز وخیم‌تر از شرایط کنونی بود. عمیقاً متعقدم که اگر دستگاه قضایی و حاکمیتی در مقابل فسادها و سوداگری‌های اقتصادی بایستد، حداقل نیمی از مشکلات محیط زیستی امروز کشور ما حل خواهد شد».

به هر حال، نگاه اجتماعی به مقوله محیط زیست در کشور ما نسبت به قبل متفاوت شده و حساسیت افکار عمومی نسبت به گذشته بیشتر شده است. شاید محیط زیست باید بهای سنگین تخریب‌هایی که تا به الان دیده است را می پرداخت تا انسان‌ها نسبت به اهمیت آن در حفظ حیات خود بیش از گذشته آگاه شوند.

چهارگانه و دیگر مناطق توسط سازمان حفاظت از محیط زیست و همین طور سازمان منابع طبیعی در استان‌ها دقت کنیم، متوجه می شویم که رویه مدیریت حفاظت ناقص در گذشته همچنین ادامه دارد و برنامه‌های حفاظت فیزیکی بدون ارتقای آگاهی‌های عمومی از فواید و اثرگذاری‌ها و همچنین دستاوردهای احتمالی آن کماکان وجود دارد؛ لذا به همین دلیل است که پس از حدود چهار دهه حفاظت صرف فیزیکی بدون آموزش‌های عمومی و عدم مشارکت مردم در مناطق طبیعی، موجب شده شور و یخانه تاکنون ۱۲۲ محیطیان و ۱۸ جنگلیان در راستای انجام امور محوله به دست ناآگاهان و غاصبان عرصه‌های طبیعی و تنوع زیستی جان شریف خود را تسلیم کنند و شهید شوند. از سوی دیگر، در این نبرد مسلحانه ۴۰۰ نفر از متخلفان و شکارچیان نیز جان شان را از دست بدهند.

دست نشان می دهد جنبش‌های فعال محیط زیستی در ایران فصل جدیدی از حفاظت مشارکتی را بدون درخواست کمک از دیگران، آغاز کرده اند. یکی از فعالان محیط زیست در فارس می گوید: در گذشته چند کامیون حامل لاشه‌های حیات وحش در منطقه حفاظت شده «بمو» را متوقف کردند اما آن روز کار از کار گذشته بود. بهمن ایزدی معتقد است: موضوع مناطق «قرق شاهی» موجب ایجاد فاصله بین مردم و برنامه‌های حفاظتی در گذشته شده بود. همین مسائل باعث شد که در چند دهه اخیر، در جای جای کشور برخی به مناطق چهارگانه هجوم آورند و با کشتار حیات وحش، سعی در تصاحب اراضی آن مناطق کنند؛ از همین رو خسارات فراوانی که تاکنون نیز جبران نشده به رویشگاه‌ها، زیستگاه‌ها و تنوع زیستی مناطق چهارگانه وارد شد. چنانچه به کارنامه مدیریت حفاظت از مناطق

قدرت در تمام دنیا، موتور تخریب خود را روشن کنند. اما از سویی شعله‌های امید در تاریکی روشن است. مردم به عنوان وارثان سرزمین ایران، نشان داده اند که به صورت خودجوش تلاش دارند با مشارکت در روندهای مدیریت سرزمین لاقلاً تا جایی که ممکن است جلوی تخریب را بگیرند. برای نمونه شکل گیری اعتراض‌های مدنی به تخریب‌های محیط زیستی طی ماه گذشته نشان می دهد هنوز حرکتهای امیدبخش وجود دارد. اعتراض مردم ساری و منطقه جنگلی آق مشهد در پی تعرض به جنگل‌های این منطقه، اعتراض سراسری برای بازپس گیری دماوند، اعتراض به معدنکاوی در منطقه حفاظت شده بهرام گور در فارس و همین طور حرکت ستایش برانگیز مردمی در منطقه بیدمی دشتی در استان بوشهر برای مخالفت با برداشت سنگ مرمر از دل مناطق حفاظت شده و مواردی از این

وحشی کردند. تا جایی که برخی آمارها از کشتار ۹۰ درصدی حیات وحش طی ۵۰ سال گذشته خبر می دهند. البته امروزه منتقدان شیوه‌های حفاظتی که در پنج دهه گذشته در ایران و بسیاری از مناطق جهان وجود داشته، معتقدند؛ با کنار گذاشتن اسلحه و شیوه‌های حفاظت فیزیکی باید مردم به عنوان ذی نفعان به مدیریت این مناطق کمک کنند. به این معنا که مردم مناطق بومی خود بزرگترین حافظان طبیعت شوند. اکنون که توسعه ناپایدار غالب مناطق جهان را هدف قرار داده و حتی تغییرات اقلیمی تمامی حیات در کره زمین را تهدید می کند باید به شکل گیری جنبش‌های محیط زیستی مسالمت آمیز دل خوش کرد. در ایران وضع البته با بسیاری از نقاط دنیا متفاوت است. توسعه ناپایدار منابع حیاتی را می بلعد. فقدان آگاهی و سواد دانش حفاظتی سبب شده دولت‌ها و نهادهای وابسته به

طبیعت بانان بومی

چگونه با مشارکت مردم از مناطق حفاظت شده مراقب کنیم؟

نگاه

ثبت مناطق چهارگانه، پارک‌های ملی، منطقه حفاظت شده، منطقه شکار ممنوع و پناهگاه حیات وحش در ایران اگر چه قدمتی نزدیک به ۵۰ سال دارد اما به دلایل تاریخی غالباً مورد بی توجهی عمومی و گاه عامل تخریب نیز بوده است. پیش از آنکه سازمان حفاظت محیط زیست بنیانگذاری شود، محیط زیست اداره شکاربانی بود. اساساً آن چیزی که امروز در ابعاد محیط زیست انسانی، دریایی، طبیعی و تاکید بر حفظ تنوع زیستی می شناسیم وجود نداشت. اما همین اصطلاح شکار که برای نامگذاری حیات وحش استفاده می شد، خود بیانگر وضعیت به مراتب ناپایداری است که طبیعت و محیط زیست در ایران از سر گذرانده است. به دلیل سوء استفاده خانواده سلطنتی از مناطق دارای حیات وحش، مردم زیادی اقدام به شکار گونه‌های



جواد حیدریان

روزنامه نگار